

بنام خداوند جان و خرد

تغییر سیاست آمریکا نسبت به ایران از «تهدید نظامی» به «مانور سیاسی»

حمایت آمریکا از نیروهای اصلاح طلب و دگراندیش ایران، فرصتی برای نیروهای انحصار طلب برای بستن بیشتر فضا و سرکوب نیروهای ملی و اصلاح طلب.

از رویداد یازده سپتامبر تا امروز بیش از همه دوران دو بیست ساله شکل گیری دولت ایالات متحده آمریکا، توجه جهان، بنویزه جهان سیاست و جهان رسانه ها، متوجه آمریکا شده و از غول هایی چون چین و روسیه که روزگاری پای پای آمریکا حضورشان مورد توجه بود، دیگر کمتر سخنی در میانست و اگر بحثی مطرح می شود در این زمینه است که آنها گونه در برابر رفتار بولدوزروار آمریکا می کوشند تا از رودررویی با آن برکنار بدارند. اروپا با وجود اینکه از مرحله تشکیل اتحادیه ذغال و پولاد، به سامان دهی بزرگترین اتحادیه طول تاریخ دست یافته نیز در عمل کوشش دارد که ضمن حفظ حیثیت جهانی خود، هیچگاه رو در روی آمریکا قرار نگیرد و توجه کامل به اصل تعامل و هماهنگی با آن، به مسائل پیش رو بیاندیشد و عمل کند.

در شرایط امروز جهان، آمریکا در نهایت تأسف به ابر قدرتی تبدیل گردیده که می کوشد روز به روز بیشتر نفوذ مسلط خود را در برخی سازمان های مالی و اقتصادی جهانی چون صندوق بین المللی پول، بانک بین المللی و سازمان بازرگانی جهانی از یک سو، و نحوه برخورد با سازمان های جهانی دیگر مانند سازمان ملل متحد، یونسکو و شمار دیگری از آنها و تحمیل نظریات خود به آنها، با وجود حضور شمار فراوانی از قدرتهای جهانی، به روشنی حکایت از این واقعیت تلخ دارد که این ابر قدرت برانست تا با بی پروایی، بسیاری از خواسته های خود را به جهانیان تحمیل کند. کمتر از دو هفته پیش، جهان شاهد آن بود که برای تمدید حضور نیروها در بوسنی، چگونه آمریکا

سرسختی نشان داد که قانون مربوط به محاکمه متجاوزان نظامی به حقوق مردم سرزمین هایی که به آنجا فرستاده شده اند، نباید شامل نیروهای آمریکایی گردد، و دیدیم که شورای امنیت به آن تن در داد. ماههاست شاهدیم که چگونه مردم فلسطین زیر ضربه های سهمگین اسرائیل قرار دارند، و با وجود تن در دادن به حرکت های انتحاری برای متوقف ساختن تجاوزگری های خشونت آمیز اسرائیل و پذیرش سنگین ترین خسارتها، سرانجام مقام های مسئول نهضت فلسطینیان به اینجا رسیده اند که برای متوقف ساختن اسرائیل هیچ کاری از عهده سازمان ملل، شورای امنیت و سازمان دفاع از حقوق بشر و دهها ارگان و تشکیلات دیگر جهان بر نمی آید، مگر آنکه آمریکا بتواند ماشین جنگی اسرائیل را از حرکت باز بدارد و شرایط را آنهم در بلندمدت، به احتمال کم به وضع پیش از انتفاضه دوم باز بگرداند. پایداری حماسه ای مردم فلسطین پدیده ای نیست که دنیا بتواند خاطره آن را از یاد ببرد، ولی واقعیت تلخ اینست که همه جانفشانیهای این ملت و همه کسانی که آنها را به ادامه پایداری تا دستیابی به پیروزی و نابودی اسرائیل تشویق می کردند، در عمل بدلیل ناپروایی ها و حمایت غرب و آمریکا و با فشار «لابی یهود» ملت فلسطین را با فاجعه ای کم سابقه مواجه کرد. در حالیکه آنان تصور این را نمی کردند و باور داشتند که با دو سه ماه پایداری و دست زدن به اقدامات انتحاری خواهند توانست به بخشی از خواسته های خویش دست بیابند. در تمامی این مدت، شاهد بودیم که همه قدرتهای اروپایی، روسیه، چین و مجموعه اتحادیه عرب و کشورهای اسلامی بسجز موضوع گیریهای شعارگونه دست به هیچ اقدامی که منجر به توقف اسرائیل شود نزدند. همگان می دانستند که آنچه اسرائیل انجام می دهد، حاصل حمایت های

آمریکاست و آنها هیچکدام تمایلی به موضع گیری عملی در برابر آمریکا نداشته و ندارند.

همزمان با پیاده کردن نیرو در افغانستان، آمریکا و متحد همیشگی اش انگلستان پی در پی موضوع حمله به عراق را عنوان کرده و از آن به عنوان یک عملیات قطعی و زودرس یاد کرده اند. از همان زمان ما و صاحب نظران سیاسی که به منافع ملی ایران می اندیشند، هشدار دادند که دیپلماسی ایران باید با خردمندی چنان عمل کند که سرزمین ما از گزند هر گونه ترکشی در امان بماند. پیام به موقع و حساب شده ریاست جمهوری پس از رویداد یازده سپتامبر و عملکرد خوب دولت در جریان کنفرانس بن و ترکیب دولت موقت افغانستان، حکایت از آن داشت که بر خلاف دو دهه گذشته، سیاست خارجی ایران می رود که به جبران اشتباههای بزرگ و نابخردیها و پراکنده عمل کردن ارگانهای ریز و درشت در افغانستان که لطمه ای شدید به منافع ملی ما وارد ساخت بپردازد.

در شرایطی که همسویی ایران در آینده سازی و بازسازی افغانستان از سوی بسیاری از صاحب نظران خارجی به عنوان آغاز دستیابی به گونه ای تفاهم بین ایران و آمریکا تلقی می شد، بناگاه با طرح اتهاماتی در رابطه با برگزاری همایش های انتفاضه با حضور رهبران گروه های متصف به تروریسم در ایران، ارسال کشتی حامل اسلحه برای ساف، پذیرفتن پناهندگان القاعده و طالبان در ایران یا اخلال در امور افغانستان، همراه با تبلیغات محافل وابسته به صهیونیسم بین المللی فضای جدیدی را علیه ایران به وجود آورد که برآیند آن در قالب سخنان بوش در کنگره آمریکا درباره «محور شیطانی» پدیدار گردید و از ایران در کنار عراق و کره شمالی نام برده شد. همراه با آن، اتهامات پیشین هم شفاف تر دوباره مطرح شد. این جو پر التهاب در حالی شکل

می گرفت که آمریکا در کشورهای آسیای مرکزی به استقرار پایگاه های نظامی دست یافته بود و پایگاه هایی را در پاکستان در اختیار داشت و بر سراسر افغانستان به اعتبار نیروی هوایی خود سلطه یافته بود.

طرح این مجموعه مسایل تا حدی غافلگیر کننده بود، ولی پذیرش اتهامهایی چون همکاری با طالبان و القاعده و تلاش برای بهم ریختن اوضاع افغانستان از سوی دولت ایران، به جهات مختلف نمی توانست با واقعیت انطباق داشته باشد. احتمال اینکه با توجه به طولانی بودن مرزهای ایران با افغانستان و پاکستان، شماری از گروه های تروریستی همراه با قاچاقچیان مواد مخدر توانسته باشند باین استواری مرز نفوذ کنند، ناممکن نمی توانست باشد، ولی اینکه دولت ایران در پی لطمه های شدید سالهای گذشته از سوی طالبان و تلاشها و یاریهایش برای سقوط آنها، تغییر جهت داده و به حمایت آنها پرداخته باشد، گفته ای نامعقول بشمار می آمد. اما چرا در آن زمان از ایران در کنار عراق به عنوان «محور شیطانی» نام برده شد؟ احتمالاً این یک مانور سیاسی برای پیش گیری از آن بود که اگر انگلستان و آمریکا بخواهند در جریان لویه جرگه ترکیب بسیار متفاوتی با توافق های کنفرانس بن را بر افغانستان حاکم سازند، ایران نتواند ابراز نارضایتی کند. از سوی دیگر در صورت اجرای طرح حمله به عراق، به ایران هشدار داده باشند که در خلیج فارس و بخش های مجاور خاک عراق

فهرست مطالب

- ۱. قیام ملی ۳۰ تیر..... ۲
- ۲. حوزه و دانشگاه..... ۳
- ۳. آینده جهان..... ۳
- ۴. طرح تقسیم استان خراسان..... ۴
- ۵. صدمین سالگرد مشروطیت..... ۵
- ۶. کنکاش در روزنامه ها..... ۶
- ۷. شرایط حساس کشور عراق..... ۶
- ۸. اخبار جبهه..... ۷